

رضا ایمانی راد، عضو شورای اجتماعی محله ثامن

هزینه مسجد راهم پرداخت کرده بودند

موضوع به مراسم ترحیم یکی از نزدیکان شهید جمهور در زمانی که تولیت آستان قدس رضوی را برعهده داشتند، برمی‌گردد. طبق روال هر روز، سری به مسجد امام هادی^(ع) زدم که اگر کاری هست، رفع و رجوع شود. دیدم مراسم تعزیه ای در صحن مسجد در حال برگزاری است. آن موقع صبح، شمار حاضران ده دوازده نفر بیشتر نبود.

همان طور که دنبال خادم مسجد می‌گشتم تا چند و چون مراسم را پرس و جو کنم، آقای رئیسی را دیدم که کنار در ورودی نشسته بودند.

تعجب کردم که ایشان اینچاه می‌کنند؛ اگر تعزیه مربوط به خانواده ایشان است، چرا مسجد به این کوچکی را برای سوگواری عزیزشان انتخاب کرده اند!

در همین افکار بودم که خادم را دیدم؛ می‌گفت: مراسم ختم مربوط به خواهر آقای رئیسی است. ایشان شب قبل با او تماس گرفته بودند و شرایط برگزاری مراسم در مسجد امام هادی^(ع) را اعلام گرفته و حتی هزینه مربوط به مکان را هم

به حساب مسجد پرداخت کرده بودند.

فرصت حضور ایشان را غنیمت دانستم و برای طرح موضوع «مسدود بودن مسیر باغ حضرت زهرا^(س) در بولوار امیرالمؤمنین^(ع) و مشکلات به وجود آمده برای زائران پیاده به ویژه سالمندان» کنارشان نشستم. گفتم: حاج آقا! چندین سال است که این مشکل را از مسئولان مختلف پیگیری می‌کنیم و بارها درباره ضرورت بازگشایی این مسیر مکاتبه کرده ایم، اما انگار گوش شنوایی وجود ندارد. دود این سوء مدیریت بیشتر به چشم زائر مضجع شریف حضرت رضا^(ع) می‌رود.

با اینکه ایشان در بحبوحه مراسم ختم و برو بیاهای میهمانان

تعزیه خواهرشان بودند، با دقت به دغدغه ای که درباره مسدود بودن مسیر تا حرم رضوی با ایشان در میان گذاشتم، گوش کردند و همان جا گفتند: موضوع را مکتوب کنید و رونوشت آن را به فرمانداری و شورای شهر هم بدید. نامه «درخواست بازگشایی مسیر مسدود شده و خطرات پیش رو به دلیل شیب تندی که داشت» تا عصر آماده شد و دوباره به مراسم عصر تعزیه خواهرشان در مسجد رفتیم و نامه را تحویل ایشان دادیم. وعده پیگیری دادند، وعده ای که بار بعد مسدودیت و بازگشایی مسیر بولوار امیرالمؤمنین^(ع) منتهی به حرم حضرت رضا^(ع) صادق شد و به نتیجه رسید.

سید عسکر حسینیان مهاجر، دکترای تخصصی مدیریت ورزشی، بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی مشهد

به هم کلاسی ها درس احکام می داد

روایت پیش رو صحبت های مردی است که از کلاس دوم تا پنجم ابتدایی هم کلاس و هم بازی ابراهیم رئیسی بوده است؛ آن زمانی که به «سید ابراهیم رئیس الساداتی» شناخته می‌شد. او می‌گوید: خانه آن هادر چهارسوق نوغان، کوچه شیخ عطار و خانه پدری من رو به روی کوچه آن هادر کوچه یزدی ها بود. طی چند سالی که هم کلاسی و هم محله ای بودیم، حتی یک حرف ناروا یا ناچور از او نشنیدم. تأکید می‌کنم حتی یک حرف! یک بار به خاطر ندارم که کوچه کوچک ترین آزاری به کسی رسانده باشد. از همان کودکی آن قدر مظلوم و مؤدب بود که با همه قلبم دوستش داشتم.

راندانم اما شخصیتش را آن قدری می‌شناختم که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری برایش تبلیغ می‌کردم و هر کس را می‌دیدم و می‌شناختم، برایش از ویژگی های اخلاقی و درستی ایشان تعریف می‌کردم. ابراهیم رئیسی در یک کلام، ذات خیلی خوبی داشت و صمیمانه و با جان و دل به مردم خدمت می‌کرد. اما قدرش راندانستند.

و هم کلاسی های سابق را دور هم جمع کنم تا او درس احکام بدهد. او با برادر بزرگ ترش زندگی می‌کرد که خانه کوچکی داشت و این دوره می‌های آموزشی نیز در همان جا برگزار می‌شد. این دوره می‌دو سه بار در سال های ۵۳ و ۵۴ برپا شد. بعد از انقلاب، مشغله آیت الله رئیسی با توجه به پست های حساسی که داشت، بیشتر شد. من هم دیگر در این سال ها توفیق دیدارش از نزدیک

ماه رمضان که می‌شد، هر روز از مدرسه جوادیه راهی مسجد گهرشاد می‌شدیم؛ تا پایان جلسه قرآن می‌نشستیم و بعد با هم به سمت خانه برمی‌گشتم. یک روز در مسیر که می‌آمدیم، رو به من کرد و گفت: «هر سیدی در خواب دیدی، لباسش را بگیر و حتما یک خواسته ای ازش طلب کن!» طلبه که شده بود، هر بار که از قم به مشهد می‌آمد، به من می‌گفت بچه های محل

بانی روضه هایی که شهید جمهور در آن سخنرانی می‌کرد

روضه خوانی به شرط دعا در نماز شب

به شهید رئیسی داده شده بود، ایشان از حاج آقای تقوی می‌خواهد که جلسه ای در منزلش با حاج آقا راشد یزدی بگذارد تا با ایشان مشورت کند. تقوی تعریف می‌کند: این جلسه در خانه ما گذاشته شد، اما خودمان در آن حضور نداشتیم و این دو نفر خصوصی صحبت کردند. با وجود این، در کل آنچه دیدیم و شنیدیم شهید رئیسی خودش دوست داشت در تولیت آستان قدس بماند. فقط به دلیل انجام وظیفه شرعی و به احترام رهبر معظم انقلاب قبول کرد ریاست قوه قضائیه را برعهده بگیرد. بعد هم که راهی تهران شده بود، مدام می‌گفت مسئولیت سنگینی است، برایم دعا کنید. حتی تهران هم که رفته بود، هر بار تلفنی یا حضوری صحبت می‌کردیم. می‌گفت شما که به زیارت امام رضا^(ع) می‌روید، یاد من هم باشید و برایم دعا کنید.

این بانی روضه های ائمه^(ع)، به تواضع و مردمی بودن شهید رئیسی اشاره می‌کند و می‌گوید: در حرم خادمی داریم که هر وقت ما را می‌بیند، دوسه دانه شکلات از جیبش درمی‌آورد و می‌دهد. گاهی که همراه شهید رئیسی بودیم، به ایشان هم چند دانه شکلات می‌داد و خادم جمهور هم با تواضع و فروتنی و روی گشاده این شکلات ها را می‌گرفت.

تقوی سه شکلات از جیبش درمی‌آورد و روی میز می‌گذازد و می‌گوید: این ها را همین دوستان امروز داده است. بعد یاد شهید رئیسی کرد و گفت یک دوستی داشتیم به او شکلات می‌دادیم، آن را هم خدا از ما گرفت.

تقوی از سال ۱۳۸۵ خادم حرم است. او به زمانی که خادم جمهور، تولیت آستان قدس را برعهده داشت، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: یکی از خصلت هایی که داشت، مرتب با اطرافیان مشورت و نظرسنجی می‌کرد. در حرم که نماز می‌خواند، از خادمان می‌خواست هر مشکلی خودشان دیده اند یا مردم به آن ها گفته اند، بگویند. در این بین برای هر مشکلی به سرعت دنبال راه حل بود و چیزی را پشت گوش نمی‌انداخت. او تعریف می‌کند: من سال ها است که وقتی به حرم رضوی مشرف می‌شوم، در بالاسر حضرت نماز می‌خوانم. یک بار بعد نماز یکی از شهروندان گفت اینجا نماز نخوانید، پشت سرتان کتیبه ها و آیه های قرآنی است و به آن هایی احترامی می‌شود. دیدم بی ربط نمی‌گوید. موضوع را به شهید رئیسی گفتم و ایشان هم برایش دغدغه ایجاد شد. بلافاصله دستور داد روی کتیبه ها و آیات شیشه گذاشته شود که در عرض چند روز انجام شد.

* سهم شکلات خادم جمهور

به گفته تقوی خیلی های دانشمند شهید رئیسی برای نماز صبح به حرم می‌آید و اگر کاری داشتند یا می‌خواستند نامه ای برای پیگیری به ایشان بدهند، در همین زمان مراجعه می‌کردند. گاهی که محافظ ها مانع نزدیک شدن مردم می‌شدند، شهید رئیسی می‌گفت: اجازه دهید بیایند و حرفشان را بزنند. بعد هم با صبر و حوصله حرف مردم را می‌شنید و تا وقتی مراجعه کننده داشت، محل را ترک نمی‌کرد. زمانی که پیشنهاد ریاست قوه قضائیه

۲۵ سال روضه داری باعث شده بود که هر سال دنبال دعوت کردن سخنرانان بهتری باشد. صبح ها که برای اقامه نماز صبح به حرم امام رضا^(ع) می‌رفت، اخلاص شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی در نماز تو جهش را جلب کرده بود. سال ۱۳۹۵ قبل از شروع روضه های دهه آخر صفر یک روز رفت کنار تولیت سابق آستان قدس رضوی نشست و از او خواست یک شب از روضه های دهه اش را برای سخنرانی بیاید. علیرضا تقوی که بانی این روضه هاست، می‌گوید: از شهید رئیسی خواستم برای سخنرانی بیاید که مکثی کرد. برای اینکه حرفم را زمین نزنند، گفتم شما بیایید من هم در قبالش قول می‌دهم در نماز شب هایی که می‌خوانم اسم شما را ببرم و برایتان دعا کنم. همین را که گفتم، خوش حال شد و گفت قول می‌دهید هر دفعه برایم دعا کنید؟ من هم کاغذ و خودکاری را که در جیب کتف بود، در آوردم و اسم شهید رئیسی را به اسم مؤمنانی که در نماز شب می‌بردم، اضافه کردم و گفتم خاطر تان جمع باشد هر دفعه برایتان دعا می‌کنم. بعد از این، خادم جمهور در یک شب از مراسم روضه خوانی های مختلف حاج آقا تقوی می‌رفت و سخنرانی می‌کرد.

لب های تقوی روی هم می‌لرز و اشک در چشمانش حلقه می‌زند. دستش را با حسرت به صورتش می‌کشد و با چشمان قرمز می‌گوید: هیچ چشمداشتی نداشتم، هیچ! فقط هر بار می‌گفت حاج آقا یادتان باشد برایم دعا کنید!